





۱- مفهوم لغوی اسلام

واژه «اسلام» از نظر لغوی، دارای مفاهیم زیادی است که می‌توان تمامی آن‌ها را در معانی فرمانبرداری، تسلیم‌شدن، اطاعت، اخلاص، اظهار فروتنی و قبول، خلاصه کرد.^(۱)

۲- معانی اسلام در قرآن کریم

کلمه «اسلام» در قرآن مجید، در چندین مفهوم به کار رفته که متناسب با همان معانی لغوی است؛ از جمله:

أ- اسلام به معنای اخلاص

الله عَزَّ وَجَلَّ می فرماید:

﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ وَأَسْلِمْتُ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [البقرة: ۱۳۱]

«آنگاه که پروردگارش به او فرمود: تسلیم شو. گفت: برای پروردگار جهانیان تسلیم

شدم.»

﴿وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ﴾ [لقمان: ۲۲]

«و کسی که روی خویش را تسلیم الله متعال کند.»

﴿فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعْتُ﴾ [آل عمران: ۲۰]

«پس اگر [درباره دین و توحید] با تو محاجّه و ستیز کردند، بگو: من روی خود را تسلیم

الله نموده‌ام و هرکس که پیرو من است [نیز خود را تسلیم الله تعالی کرده است].»

ج - اسلام به معنای توحید

ابن جوزی رحمته الله بر این باور بوده و آیه زیر را به عنوان دلیل می آورد: ^(۲)

﴿يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا﴾ [المائدة: ۴۴]

«پیامبرانی که [در برابر فرمان الهی] تسلیم بودند، براساس آن حکم می کردند.»

د - اسلام به معنای تسلیم بودن

ابن جوزی رحمته الله بر این دیدگاه بوده و این آیه را به عنوان دلیل بیان می کند: ^(۳)

﴿وَلَهُوَ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾ [آل عمران: ۸۳]

«حال آنکه هرکس که در آسمان‌ها و زمین است؛ خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده

است.» ^(۴)

اقوال دیگری نیز وجود دارد که در این مبحث نمی گنجد.

د - اسلام به معنای تسلیم بودن

این جوی رحمته بر این دیدگاه بوده و این آیه را به عنوان دلیل بیان می کند: ^(۳)

﴿وَلَهُوَ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾ [آل عمران: ۸۳]

«حال آنکه هرکس که در آسمانها و زمین است؛ خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده

است.» ^(۴)

اقوال دیگری نیز وجود دارد که در این مبحث نمی گنجد.

Islam
Means
Submission

۴- اسلام خاص

تسلیم شدن و فرمانبرداری از الله متعال و پایبندی به آنچه پیامبرمان؛ محمد ﷺ آورده است.^(۱)

این است دین خاتم که الله ﷻ تمامی ادیان را با آن خاتمه بخشید و از کسی، دینی غیر از آن را نمی پذیرد، چنانکه می فرماید:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹]

«همانا دین [حق] از دیدگاه الله متعال، فقط اسلام است.»

همچنین می فرماید:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾

[آل عمران: ۸۵]

«و هرکس که دینی غیر از اسلام برگزیند، هرگز از وی پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت،

از زیانکاران است.»

پیامبر ﷺ فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ! لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ، ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ، إِلَّا كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ»^(۲)؛
«قسم به ذاتی که جان محمد ﷺ در دست اوست، هر فردی از این امت [تمام انسان‌ها
از زمان بعثت پیامبر ﷺ تا آخرین انسانی که از دنیا برود]؛ خواه یهودی باشد یا نصرانی،
از [پیام و آیین] من بشنود [و باخبر شود]، سپس درحالی بمیرد که به آنچه با آن
فرستاده شده‌ام، ایمان نیاورد، قطعاً از دوزخیان خواهد بود.»



اسلام؛ دین فطرت

فطرت در لغت

به معنای خِلقت و آفریدن است.^(۱) ابن منظور رحمته می گوید: «وَفَطَرَ اللَّهُ الْخَلْقَ يَفْطِرُهُمْ؛ یعنی الله متعال مخلوقات را آفرید و به وجود آورد. فطرت به معنای شروع نمودن و اختراع است.»^(۲) همچنین می آورد: «فطرت یعنی این که الله تعالی مخلوقات را به گونه ای آفرید که نسبت به او شناخت دارند، وقد فَطَرَهُ يَفْطُرُهُ فَطْرًا؛ یعنی وی را آفرید.»^(۳)

این معنای لغوی واژه «فطرت» بود.

الله جَلَّالَه

الله جَلَّالَه یکی است، شریک و مانند ندارد.

الله جَلَّالَه بر هر چیز عالم است.

هیچ چیزی از الله جَلَّالَه پنهان نیست.

الله جَلَّالَه بر هر چیز قادر است.

تمام کائنات را الله جَلَّالَه خلق نموده است.

ما تنها الله جَلَّالَه را عبادت می کنیم.

زمین، کوه‌ها، درخت‌ها، سنگ‌ها، گیاه‌ها، آسمان‌ها و تمام

مخلوقات تابع امر الله جَلَّالَه هستند.

بدون اراده الله جَلَّالَه هیچ کاری انجام شده نمی تواند.

الله

صفات اللہ جلّ جلالہ

ما به تمام صفات الله جلّ جلاله ایمان داریم.

صفات الله ﷻ بر دو نوع است:

۱- صفات ذاتی

۲- صفات فعلی

۱- صفات ذاتی: صفاتی است که نسبت ضد آن به الله

تعالی درست نیست؛ مانند: علم که ضد آن جهل است.

۲- صفات فعلی: صفاتی است، که نسبت ضد آن هم به

الله تعالی درست است؛ مانند: احیاء (زنده ساختن) که ضد

آن میراندن است.

زنده‌گی و مرگ ما در اختیار الله جلّ است.



صفات ذاتی الله ﷻ

صفات ذاتی الله ﷻ قرار ذیل است:

- ۱- قدرت (توانایی): الله ﷻ بر هر چیز قادر است.
- ۲- اراده (قصد کردن): الله ﷻ صاحب اراده است.
- ۳- سمع (شنیدن): الله ﷻ هر سخن آشکار و پنهان را می شنود.
- ۴- بصر (دیدن): الله ﷻ هر چیز را می بیند.
- ۵- علم (دانایی): الله ﷻ بر هر چیز دانا است.
- ۶- حیات (زنده گی): الله ﷻ دایم زنده است.
- ۷- کلام (سخن): سخن گفتن صفت الله ﷻ است.

الْصَّمِيعُ
AS-SAMEE'

THE ALL-HEARING



صفات فعلی الله ﷻ

برخی از صفات فعلی الله ﷻ قرار ذیل است:

- ۱- تخلیق (پیدا کردن): الله ﷻ خالق همه مخلوقات است.
- ۲- ترزیق (روزی دادن): الله ﷻ همه مخلوقات را روزی می دهد.
- ۳- احیاء (زنده ساختن): زنده گی بخشیدن همه مخلوقات به اختیار الله ﷻ است.
- ۴- امات (میراندن): مرگ همه مخلوقات به اختیار الله ﷻ است.
- ۵- رحمت (مهربانی): الله ﷻ ذات بی نهایت مهربان است.
- ۶- غضب (قهر): نا فرمانی از حکم الله ﷻ باعث قهر الله ﷻ می گردد.
- ۷- اعزاز (عزت دادن): الله ﷻ کسی را که بخواهد، عزت می دهد.
- ۸- اذلال (ذلت دادن): الله ﷻ کسی را که بخواهد، ذلیل می سازد.



- مفهوم «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

مفهوم واقعی و حقیقی آن که غیر قابل رد است، یعنی اینکه فقط الله وَعَزَّ وَجَلَّ معبود برحق است.

زیرا واژه «إله» از دیدگاه قوم عرب، بر وزن «فِعَال» به معنای مفعول؛ همچون «غِرَاس» به معنای مغروس: کاشته شده و «فِرَاش» به معنای مفروش: پهن شده است. بنابراین «إله» بر وزن فِعَال به معنای مفعول؛ یعنی مألوه بوده و «تألّه» در زبان عربی به معنای پارسایی و عبادت است و در نتیجه، مألوه یعنی معبود.

از این رو، «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» یعنی اینکه فقط الله متعال معبود برحق و شایسته پرستش است. علّت آوردن کلمه «برحق» این است که معبودان زیادند، ولی تنها معبود برحق، الله یگانه و بی شریک است.

ارکان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

کلمه شهادت دو رکن دارد:

۱ - نفی در عبارت: «لَا إِلَهَ»؛

۲ - اثبات در: «إِلَّا اللَّهُ».

«لا إله» الوهیت و خدایی را از غیرالله نفی و رد نموده و عبارت «إلا الله» الوهیت را برای معبود یگانه و بی‌همتا اثبات می‌کند.

این روش، معروف به اسلوب قصر است که اسلوبی عربی و مشهور بوده و قوّت جمله قصر به مانند دو جمله؛ یکی مثبت و دیگری منفی است.

اسلوب مذکور یکی از قوی‌ترین روش‌ها برای استحکام سخن و اثبات آن در ذهن مخاطب است تا انکار و تردید موجود برطرف گردد.

شیوه قصر در کلمه توحید، نفی و استثناست.^(۱)

شروط «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

کلمه توحید، ۷ شرط دارد:

۱. علمی که مخالف با جهل باشد؛

۲. یقین مخالف با تردید؛

۳. اخلاص متضاد با شرک؛

۴. صدقی که منافات با کذب داشته باشد؛

۵. محبت مخالف با ضدّ خود؛

۶. تسلیم و اطاعتی که متضاد با سرپیچی و نافرمانی باشد؛

۷. پذیرشی که مخالف با ردّ و انکار باشد.^(۲)

- آیا فقط تلفظ « لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » کافی است؟

قبلا بیان گردید که کلمه توحید یعنی اینکه الله متعال تنها معبود بر حق است و از این رو فقط الله عَزَّوَجَلَّ پرستش می شود و جایز نیست که نوعی از انواع عبادات متوجه غیر الله گردد. کسی که این کلمه را بر زبان آورد و از مفهومش آگاه و به مقتضایش؛ همچون ردّ و انکار شرک و اثبات یگانگی الله، عامل گردد و به مصادیق و عمل به آن یقین کامل داشته باشد، قطعاً چنین فردی مسلمان است، اما کسی که بدون اعتقاد، به کلمه توحید عمل کند، منافق است و فردی که برخلاف آن، شرک ورزد، مشرک و کافر به شمار می رود، هرچند کلمه توحید را بر زبان آورد.



مفهوم «محمد رسول الله ﷺ»

«محمد ﷺ رسول الله»؛ یعنی اطاعت از پیامبر ﷺ در آنچه فرمان داده و تصدیق ایشان در آنچه خبر داده و دوری از آنچه نهی و منع نموده‌اند و اینکه عبادت الله متعال فقط با آنچه پیامبر ﷺ مشروع ساخته‌اند، انجام گردد و امر و نهی ایشان گرامی داشته شود و سخن فردی از مخلوقات، مقدم بر سخن رسول الله ﷺ نشود.^(۲)

1st Kalima (Tayyab)

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ

**La ilaha illallah Muhammadur
Rasulullah**

*“There is none worthy of worship except
God (Allah) and Muhammad is the
messenger of God.”*

What Is The Shahada

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

“I bear witness that there is no deity but God,
and I bear witness that Muhammad is the
messenger of God.”

توحید

یگانه دانستن خداوند جلّالہ را توحید گویند.

اللہ جلّالہ یگانه است.

شریک و مانند ندارد.

از هر عیب پاک است.

ما فقط اللہ جلّالہ را می پرستیم.

اللہ جلّالہ آفریدگار تمام مخلوقات است.

غیب دانستن خاصه اللہ جلّالہ است.





شریک دانستن مخلوق را با الله ﷻ شرک
می گویند.

شرک بزرگترین گناه است.

عبادت غیر الله شرک است.

الله ﷻ مشرک را نمی بخشد.

مشرک به بهشت داخل نمی شود.

A beautiful
hadith

Allah is pleased
with the
repentance of a
servant..



Anas b. Malik reported that Allah's Messenger (may peace be upon him) said: Allah is more pleased with the repentance of a servant as he turns towards Him for repentance than this that one amongst you is upon the camel in a waterless desert and there is upon (that camel) his provision of food and drink also and it is lost by him, and he having lost all hope (to get that) lies down in the shadow and is disappointed about his camel and there he finds that camel standing before him. He takes hold of his nosestring and then out of boundless joy says: O Lord, Thou art my servant and I am Thine Lord. He commits this mistake out of extreme delight. Sahih Muslim (Book #037, Hadith #6618)

نمونه‌های شرک

نمونه‌های شرک عبارت اند از:

– سجده کردن به غیر الله

– انجام دادن عبادت به غیر الله

– تعظیم به بت ها، آتش و غیره

– شریک ساختن مخلوق در صفات الله ﷻ



شرک

شرک بزرگترین گناه است.

الله تعالی مشرک را نمی بخشد. الله تعالی در این مورد می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: ۴۸]

ترجمه: الله تعالی تنها شرک را نمی بخشد، و غیر از شرک گناهان دیگر را به کسی که اراده کند، می بخشد.

ما باید از اعمال شرکی پرهیز نماییم.

چند نمونه از اعمال شرکی:

- ۱- غیر از الله ﷻ کسی دیگری را عبادت کردن
 - ۲- کسی دیگری را با الله ﷻ در ذات و صفات شریک ساختن
 - ۳- رفتن و باور کردن به سخنان ساحر
 - ۴- به جز الله ﷻ به کسی دیگری علم غیب را ثابت کردن
 - ۵- در اعمال نیک ریا کردن
 - ۶- بدون اسباب غیر از الله ﷻ از کسی دیگر همکاری خواستن
- اگر کسی از شرک توبه کند، الله تعالی توبه او را قبول می کند.

Shirk

THE

UNFORGIVEABLE

SIN

انواع شرک

شرک به دو قسم است:

۱- شرک اکبر

۲- شرک اصغر

کسی را در عبادت با الله تعالی شریک کردن، شرک اکبر گفته می شود.

شرک اکبر انسان را از اسلام خارج می سازد و برای ابد در دوزخ جایش می شود.

شرک اصغر گناهی است که در احادیث، شرک خوانده شده است، تا مردم از آن خودداری نمایند.

هر چند شرک اصغر هم از گناهان بزرگ است؛ ولی انسان را از اسلام خارج نمی سازد.

به طور مثال: غیر از الله تعالی به چیزی دیگری قسم خوردن و یا ریا کردن شرک اصغر گفته می شود.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ،
وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

*La ilaha illallahu wahdahu la sharika lahu lahul mulku wa lahul
hamdu wa huwa ala kulli shay in qadeer.*

There is no true God except Allah. He is One and He has no partner with Him; is the Sovereignty and His is the Praise, and He is Omnipotent.



کُفر به معنای انکار کردن است. نمونه‌های کُفر:

– انکار کردن از الله ﷻ و رسول او ﷺ

– انکار کردن از دین اسلام

– تمسخر به دین اسلام

– خود را کافر گفتن

– ما باید از گفتن الفاظ کُفری پرهیزیم.

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ
ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾

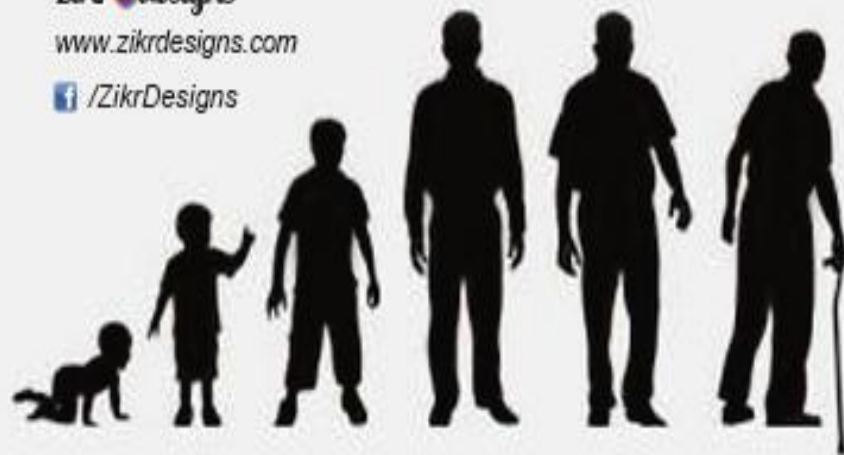
HOW CAN YOU DISBELIEVE IN ALLAH? SEEING THAT YOU WERE DEAD AND HE GAVE YOU LIFE. THEN HE WILL GIVE YOU DEATH, THEN AGAIN WILL BRING YOU TO LIFE (ON THE DAY OF RESURRECTION) AND THEN UNTO HIM YOU WILL RETURN.

SURAH AL-BAQARAH 2:28

zikr designs

www.zikrdesigns.com

f /ZikrDesigns



عقیده

عقیده ایمان و باور را می گویند.

عقیده اساس همه اعمال است.

صحت عقیده شرط قبول شدن عمل است.

ما بر الله تعالی، ملائک و کتاب های آسمانی ایمان داریم.

ما بر پیامبران، روز آخرت و تقدیر خیر و شر ایمان داریم.

عقیده درست سبب کامیابی انسان در دنیا و آخرت می

شود.

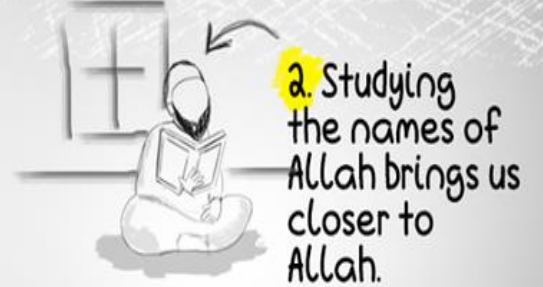
Reasons for Studying AQEEDAH...



Ustadh Ismail Kamdar



1. We get to know who Allah is.



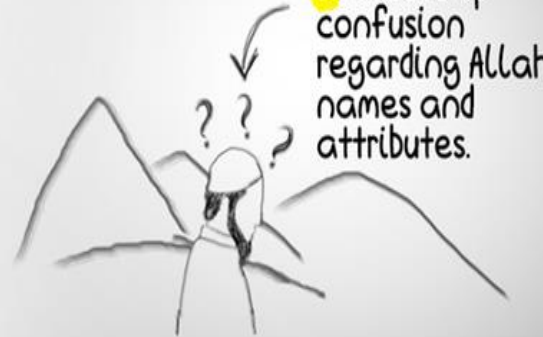
2. Studying the names of Allah brings us closer to Allah.



4. Understanding correct method of protecting oneself from Black Magic.



3. Understanding the world of unseen.



5. Clears up confusion regarding Allah's names and attributes.

www.iou.edu.gm

مفهوم ایمان به الله تعالی و نتایج و دلایل آن

۱ - مفهوم ایمان به الله متعال و موارد آن

ایمان به الله وَعَلَيْهِ یعنی باور قطعی و یقینی به وجود الله تعالی و به اینکه او پروردگار و صاحب هر چیز، آفریدگار یگانه، تدبیرکننده تمام هستی و تنها معبود شایسته عبادت و بی‌همتاست و هر معبودی غیر از الله وَعَلَيْهِ، باطل بوده و عبادتش نیز نادرست و بی‌فایده است. همچنین ایمان به اینکه الله متعال متّصف به صفات کمال و جلال و منزّه از هر نقص و عیبی است.^(۱)

اعتقاد اسلامی شامل ایمان به هرآنچه از جانب الله تعالی و رسول الله ﷺ آمده است، می‌شود؛ یعنی ایمان به اخبار، احکام قطعی، امور غیبی و امثال آن. ارکان ششگانه ایمان، پایه‌های اعتقاد است:

۱. ایمان به الله تعالی؛
 ۲. ایمان به فرشتگان علیهم‌السلام؛
 ۳. ایمان به کتاب‌های آسمانی؛
 ۴. ایمان به رسولان علیهم‌السلام؛
 ۵. ایمان به روز قیامت؛
 ۶. ایمان به قضا و قدر؛ خیر باشد یا شر.
- در ادامه مباحث، توضیحاتی درباره این ارکان بیان خواهد شد.

با توجّه به مطالب مطرح شده، ایمان به الله ﷻ مشتمل بر موارد چهارگانه زیر است:

۱. ایمان به وجود الله تعالی: اعتقاد به اینکه الله متعال وجودی کامل دارد و ازلی و ابدی است.

۲. ایمان به ربوبیت الله ﷻ: باور به اینکه الله در افعال خویش یگانه است و در آفرینش، پادشاهی، تدبیر و سایر صفات ربوبیت، شریکی ندارد.

۳. ایمان به اسماء و صفات الهی: اعتقاد به اینکه الله متعال دارای اسمایی نیکو و صفاتی والا است، با ردّ اعتقاد به تمثیل، تعطیل و تأویل و تکیف.

۴. ایمان به الوهیت الله تعالی: باور به اینکه افعال بندگان فقط مختصّ الله ﷻ و برای کسب رضایت اوست و جایز نیست که عبادتی برای غیرالله صورت گیرد.^(۲)

۲- نتایج ایمان به الله تعالی

ایمان به الله عَزَّوَجَلَّ دارای نتایجی بزرگ و مهم بوده و خیر دنیا و آخرت را برای افراد و جامعه به دنبال دارد. از نتایج آن، حصول امنیّت کامل، هدایت تام، جانشینی در زمین و تمکین و عزّت بندگان واقعی را می‌توان نام برد.

از دیگر نتایج ایمان به الله، خوشی زندگی، رسیدن به خوبی‌ها، نزول برکات، راهیابی به سمت تمامی خوبی‌ها، حفاظت از زیان و رستگاری با دوستی، کمک و تأیید الهی است.

همچنین ارتقای درجات، بخشش گناهان، ورود به بهشت و نجات از آتش دوزخ. به طور خلاصه، همه خیر دنیا و آخرت از نتایج ایمان به الله تعالی است. و هلاکت و نقصان، نتیجه نبود یا ضعف ایمان است.^(۱)

- دلایل یگانگی الله تعالى

ادله فراوانی دلالت بر یگانگی الله ﷻ دارند و گواهی الله تعالى برای خودش کافی است که می‌فرماید:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ۱۸]

«الله گواهی داده که معبودی [بر حق] جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش [نیز بر این مطلب گواهی می‌دهند] درحالی که [الله متعال در جهان هستی] قیام به عدالت دارد، معبودی [بر حق] جز او نیست، که توانمند حکیم است.»

فطرت، شریعت، عقل و حس و واقع نیز دلالت بر یگانگی الله متعال در آفرینش و روزی دادن و اینکه تنها او شایسته عبادت است، می‌کنند.

دلالت عقل بر ایمان به الله متعال

از نظر عقلی، لازم است که تمامی مخلوقات پدیدآورنده و آفریدگاری داشته باشند، زیرا امکان ندارد به خودی خود یا اتّفاقی به وجود آمده باشند؛ به عبارتی دیگر، امکان ندارد که این مخلوقات خودشان را به وجود آورده باشند و هیچ چیز نمی‌تواند خودش را بیافریند، چون پیش از پیدایش، معدوم [نیست] است و شیء معدوم چگونه می‌تواند پدیدآورنده باشد؟!

همچنین امکان ندارد که به طور اتّفاقی به وجود آمده باشند، زیرا هر حادثی نیاز به مُحدِّث و به وجودآورنده‌ای دارد و وجود مخلوقات با این ساختار هماهنگ و شگفت‌آور و منظم و این ارتباط به هم‌پیوسته در میان اسباب و مسبّبات و در بین مخلوقات، دلیلی قطعی است که اتّفاقی به وجود نیامده‌اند.^(۱)

الله ﷻ این دلیل عقلی و برهان قاطع را در سوره «طور» بیان فرموده است:

﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ﴾ [الطور: ۳۵]

«آیا آن‌ها از هیچ [و بدون آفریننده]، خلق شده‌اند یا خود خالق [خویش] اند؟!»

یعنی آن‌ها بدون آفریدگار به وجود نیامده‌اند و خودشان نیز آفریدگار خویش نیستند، در نتیجه، آفریدگارشان الله متعال است.

به همین علت، وقتی جبیر بن مطعم رضی الله عنه سوره «طور» را از زبان رسول الله صلی الله علیه و آله

می‌شنید و ایشان به آیه: ﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ﴾ [الطور: ۳۵]

رسیدند، گفت: «نزدیک بود دلم از جا کنده شود و اولین باری بود که ایمان در دلم

نشست.» بخاری رحمته الله این حدیث را به صورت مفرّق^(۲) روایت کرده است.^(۱)

از این رو، الله ﷻ در بسیاری از آیات قرآن، انسان‌ها را تشویق به تعقل و تفکر می‌کند و فراوانی آیاتی که با ﴿أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ و ﴿لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ پایان می‌یابند، بزرگ‌ترین گواه است، زیرا وقتی انسان تفکر نماید، پند می‌گیرد و حقیقت را می‌شناسد و زمانی که پند گیرد، می‌ترسد و باتقوا و فرمانبردار می‌گردد.

به همین سبب، می‌بینیم که افراد عاقل و تلاشگر و جویندگان حقیقت، به آن می‌رسند و در این راه، موفق می‌شوند.

دلالت انفس

بدون تردید الله سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى انسان را به زیباترین شکل و در بهترین قالب آفرید، چنانکه می‌فرماید:

﴿وَصَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ﴾ [التَّغَابُن: ۳]

«و شما را [در رحم مادرانتان] شکل و صورت بخشید، سپس شکل و صورت‌تان را نیکو [و زیبا] گرداند.»

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ [التِّين: ۴]

«یقیناً ما انسان را در بهترین صورت [و هیئت] آفریدیم.»

راهنمایی مخلوقات

این موضوع، یکی دیگر از نمونه‌های حسّی برای اثبات یگانگی الله جلّ و علاّ به شمار می‌رود. الله تعالی تمامی حیوانات - ناطق، چهارپا، پرندگان، خزندگان، زبان‌آوران و بی‌زبانان را به سوی آنچه باعث اصلاح زندگی و حالت‌شان می‌شود، رهنمون ساخته است.

آیه زیر شامل مخلوقات عجیب و غریبی که تنها الله عزّ و جلّ از آن‌ها باخبر است، می‌شود:

﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ [طه: ۵۰]

«پروردگار ما ذاتی است که آفرینش هر چیزی را به او ارزانی داشته، سپس [آن‌ها را] هدایت کرده است.»

دلالت آفاق

هر فردی -عالم، جاهل، مؤمن و کافر- جهان هستی را مشاهده می کند و اگر آدمی با چشم بصیرت و تدبّر بنگرد، قطعاً بزرگی ذاتی که آن را آفریده، درک خواهد کرد و این کار باعث می شود که تنها او را عبادت نماید.

شیخ عبدالرحمان سعدی در تفسیر آیه: ﴿سَنُرِيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ [فصلت: ۵۳]؛ «به زودی نشانه های خود را در آفاق و در نفس خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که او حق است.» چنین می آورد: «بدون تردید الله جلّ و علاّ این کار را انجام داده است. الله متعال نشانه هایی را به بندگانش نشان داده که دلالت بر حق بودن او دارند، امّا کسی را که بخواهد، توفیق ایمان می دهد و هرکس را که بخواهد، خوار می گرداند.»^(۲)

- بندگی موجودات

الله متعال تمامی موجودات - انسان‌ها، جنیان، فرشتگان، جانداران، غیر جانداران، گیاهان و سایر موجودات - را برای عبادت خویش آفرید و آن‌ها را بر توحید و اعتراف به الوهیت پروردگار و اقرار به نیاز و تواضع و خشوع خلق کرد.

تمامی موجودات عبادت الله وَعَلَيْكُمْ را به جای می‌آورند مگر انسان سرکش و منحرف از شریعت الهی، که با نظام و قانون این جهان محکم و شگفت‌آور مخالفت می‌ورزد؛ جهانی که فقط بر پرستش الله متعال استوار است.

علاوه بر این، بندگی و عبادت مخلوقات با یکدیگر تفاوت دارد.

THE CONCEPT OF WORSHIP OF ALLAH IN ISLAM

الله ﷻ در مورد تسبیح موجودات می فرماید:

﴿تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ

وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُوَ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ [الإسراء: ٤٤]

«آسمان های هفتگانه و زمین و هر آنچه در آن هاست؛ همه تسبیح او می گویند، و هیچ چیز نیست؛ مگر آنکه به ستایش وی تسبیح می گوید، و اما شما تسبیحشان را نمی فهمید، همانا او بردبار آمرزنده است.»

الله جلّ و علا در مورد تسلیم و فرمانبرداری موجودات هستی می‌فرماید:

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ

يُرْجَعُونَ﴾ [آل عمران: ۸۳]

«آیا [کافران] غیر از دین الله را می‌جویند؟ در حالی که هرآنچه در آسمان‌ها و زمین است؛ خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده و به سوی او بازگردانده می‌شوند.»
و سایر عبادات متنوعی که در این مبحث نمی‌گنجد.^(۲)

از این رو، دانستیم که موجودات نیازمند به الله سبحانه و هستند و «نیاز آن‌ها به پروردگار، صفت ذاتی‌شان است، همان‌گونه که بی‌نیازی، ویژگی ذاتی آفریدگار به شمار می‌رود.»^(۳)

- تفاوت مزّه، رنگ و بوی گیاهان

موارد فوق، دلایلی حسّی بر توحید هستند. آب درحالی که بی‌رنگ و بی‌مزّه و بی‌بو است، از آسمان بر زمین خشک و بی‌آب و علف می‌ریزد، سپس -به فرمان الهی- در نتیجه این باران، گیاهانی متفاوت از لحاظ رنگ، مزّه و بو می‌رویند؛ برخی شیرین، تعدادی ترش، برخی تلخ، بعضی سبز، تعدادی زرد و برخی دیگر سیاهند.

و حتّی در یک نوع میوه، تفاوت‌های عجیبی وجود دارد؛ به عنوان نمونه، برخی از درختان انگور، سایه‌دار و برخی بی‌سایه، تعدادی از آن‌ها شیرین و بعضی دیگر ترش و برخی نیز ترش و شیرین هستند. همچنین در رنگ‌های سبز، قرمز، سیاه و به صورت کشیده و گرد و سایر اشکال وجود دارند.

اختلاف زبان‌ها

ما تفاوت زبان و لهجه ملت‌ها و انسان‌ها را مشاهده می‌کنیم، پس چه ذاتی سخن گفتن را به آدمی آموخته است؟ و چه ذاتی تمامی این زبان‌ها و لهجه‌ها را می‌داند و همه آنچه می‌گویند را در می‌یابد و بر وی مشتبه نمی‌گردد؟ قطعاً آن ذات، الله یگانه و بی‌همتاست. بنابراین اختلاف زبان‌ها نشانه و دلیلی بزرگ بر یگانگی الله متعال است.^(۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ
إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ
يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُونَ كَمَا
تَرَضَعَةُ عِجَلٍ

In nomine dei clemē
tis et misericordis.

Genus
hominū
timete
deū ue
strū qui
tremere
faciet illa hora quid mi
rabile. 1 Die qua uide
runt illud expauescēt
omnes lactantes que lac

· معرّفی ملائکه ﷺ

مفهوم لغوی

واژه «ملائکه» در اصل از «أَلَكَ» به معنای فرستاد، گرفته شده و «أَلوک» یعنی رسالت و فرستادن.

بنابراین «مَلَك» در لغت به معنای «مُرْسَل» یعنی فرستاده شده است.^(۱)

Mala'ika
Angels in Islam

Stephen J. Vicchio, Ph.D.

- تعریف اصطلاحی ملائکه

فرشتگان، جهانی غیبی هستند که از نور آفریده شده و عبادت الله متعال را به جای می‌آورند. آنان هیچ‌یک از ویژگی‌های ربوبیت و الوهیت را ندارند؛ یعنی چیزی را نمی‌آفرینند، روزی نمی‌دهند و هرگز جایز نیست که با الله تعالی یا به تنهایی، پرستش شوند.

الله عَزَّ وَجَلَّ به آنان فرمانبرداری کامل از دستوراتش و قدرت بر اجرای آنها را بخشیده است.

تعداد فرشتگان فراوان بوده و فقط الله سُبْحَانَهُ از این موضوع آگاه است.^(۲)

ایمان به وجود آنان

ایمان به فرشتگانی که آنان را با اسم می‌شناسیم

مانند جبرئیل علیه السلام و ایمان اجمالی به فرشتگانی که آنان را با نام نمی‌شناسیم؛ به عبارتی دیگر، ایمان داریم که الله تعالی، فرشتگان زیادی دارد و لازم نیست که از اسامی تمامی فرشتگان آگاه باشیم.

ایمان به آنچه از صفاتشان می‌دانیم

همچون صفت جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر دادند وی را با همان صفتی که الله متعال آفریده - دارای ۶۰۰ بال که کرانه آسمان را در بر گرفته بود - دیدند.

گاهی اوقات، به فرمان الهی، فرشته به شکل مردی درمی‌آید؛ مانند زمانی که الله متعال جبرئیل را به سوی مریم؛ مادر مسیح عَلَيْهِ السَّلَام فرستاد:

﴿فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾ [مریم: ۱۷]

«سپس به شکل انسانی کامل بر او ظاهر شد.»

ایمان به آنچه از اعمال فرشتگان می‌دانیم
مانند تسبیح و عبادت الهی در شب و روز بدون خستگی و سستی.

برخی از فرشتگان، اعمال خاصی دارند؛ همچون جبرئیل که امانتدار وحی الهی است و الله متعال او را با وحی، به سوی پیامبران و رسولان علیهم‌السلام می‌فرستاد. و مانند میکائیل؛ مسؤول باران و مالک؛ مسؤول آتش و فرشتگانی که مسؤول حفاظت بنی‌آدم هستند و سایر فرشتگان زیادی که وجود دارند.^(۱)

۳- نتایج ایمان به فرشتگان علیهم السلام

ایمان به فرشتگان، نتایج مهمی دارد؛ از جمله:

أ- علم به عظمت و قدرت و سلطان الهی

بدون تردید بزرگی مخلوق برخاسته از بزرگی خالق است؛

ب- شکر الهی به سبب توجّه به بنی آدم

زیرا فرشتگانی را مسؤول حفاظت انسان‌ها، نوشتن اعمال و سایر مصالح‌شان گردانیده است؛

ج- نزدیک شدن به الله وَجَلَّ

بر اثر محبت به فرشتگان که آنچه مورد رضایت الهی است را انجام می‌دهند.^(۲)

جسم بودن فرشتگان

متون شرعی دلالت دارند که فرشتگان جسم هستند، برخلاف کسانی که در این زمینه منحرف شده و معتقدند فرشتگان جسم نیستند و می‌گویند: آنان نیروهای خیرِ موجود در مخلوقاتند.

این دیدگاه با قرآن کریم و سنت نبوی و اجماع مسلمانان منافات دارد.
الله عَزَّوَجَلَّ می‌فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبْعٍ﴾ [فاطر: ۱]

«حمد [و ستایش] مخصوص الله است؛ آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین، [ذاتی] که فرشتگان را رسولانی قرار داد؛ دارای بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه»
همچنین در مورد بهشتیان می‌فرماید:

همچنین در صحیح بخاری از ابوهریره رضی الله عنه نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ كَانَ عَلَى كُلِّ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ مَلَائِكَةٌ يَكْتُبُونَ الْأَوَّلَ فَلِأَوَّلٍ فَإِذَا جَلَسَ الْإِمَامُ طَوَرُوا الصُّحُفَ وَجَاءُوا يَسْتَمِعُونَ الذِّكْرَ»^(۱)؛ «در روز جمعه، بر هر دری از درهای مسجد، فرشتگانی هستند که [ورود انسان‌ها] را به ترتیب ثبت می‌کنند، و زمانی که امام می‌نشیند، آنان دفترها را می‌بندند و می‌آیند تا به ذکر [خطبه یا تلاوت قرآن] گوش دهند.»

متون مذکور به طور صریح نشان می‌دهند که فرشتگان جسم هستند و نه نیروهای معنوی؛ آنگونه که گمراهان معتقدند. مسلمانان براساس این متون، اجماع و توافق نموده‌اند.^(۲)

حضور آنان در زمان خلقت انسان

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله که بسیار راستگو و تصدیق شده‌اند، به ما فرمودند که: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نُطْفَةً، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلَكُ، فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ، وَيُؤَمَّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: بِكِتَابِ رِزْقِهِ، وَأَجَلِهِ، وَعَمَلِهِ، وَشَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ»^(۱)؛ «آفرینش هریک از شما در شکم مادرش، در مدت چهل روز به صورت نطفه جمع می‌شود، سپس مثل آن [همین مدت] علقه [خون بسته] است و پس از آن، مانند آن [همین مدت] مضغه [پاره‌ای گوشت] است، سپس فرشته فرستاده شده و در وی روح می‌دمد و به چهار چیز دستور داده می‌شود: به نوشتن روزی‌اش، اجلش و عملش و اینکه نیکبخت است یا بدبخت.»

حفاظت انسان‌ها توسط فرشتگان

الله سُبْحَانَهُ می‌فرماید:

﴿سَوَاءٌ مِّنْكُمْ مَنْ أَسْرَأَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ
بِالنَّهَارِ﴾ ۱۰ لَهُ مِعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ قُلْ [الرَّعد: ۱۰-۱۱]
«[برای الله] یکسان است که کسی از شما پنهانی سخن گوید و فردی که آن را آشکار
سازد، و کسی که در [تاریکی] شب پنهان می‌شود، یا در [روشنایی] روز [آشکارا] راه می‌رود.
برای او [انسان] فرشتگانی است که پی‌درپی [صبح و شام] از پیش رویش و از پشت سرش،
وی را به امر الله تعالی حفظ می‌کنند.»

فرشتگان سفیران الهی به سوی رسولان و پیامبران علیهم السلام هستند

الله تعالی اعلام نموده که جبرئیل مسؤول این کار مهم است:

﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

﴾ [البقرة: ۹۷]

«بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد، [در حقیقت دشمن الله است]، زیرا او به فرمان

الله وَعَلَى قَلْبِكَ قرآن را بر قلب تو نازل کرده درحالی که تصدیق کننده آنچه پیش از آن بوده، است.»

﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۱۹۳﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹۳-۱۹۴]

«روح الامین [جبرئیل علیه السلام] آن را فرود آورده است بر قلب تو تا از هشداردهندگان

باشی.»

تحریک انگیزه‌های خیر در نفوس بندگان

الله متعال برای هر انسانی، قرین و همراهی از فرشتگان و ملازمی از جنیان قرار داده است. در صحیح مسلم از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَقَدْ وُكِّلَ بِهِ قَرِينُهُ مِنَ الْجِنِّ، وَقَرِينُهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ»؛ «برای هریک از شما، همراهی از جنیان و همراهی از فرشتگان، واگذار و تعیین شده است.» صحابه رضی الله عنهم پرسیدند: و حتی برای شما نیز ای رسول الله صلی الله علیه و آله؟! پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ دادند: «وَإِيَّايَ إِلَّا أَنَّ اللَّهَ أَعَانَنِي عَلَيْهِ فَأَسْلَمَ فَلَا يَأْمُرُنِي إِلَّا بِخَيْرٍ»^(۱)؛ «و حتی برای من، اما الله متعال مرا علیه وی [یعنی همراه جنّی‌ام] یاری نموده و او مسلمان شده [یا اینکه من از شرّش در امانم] و مرا فقط به خیر فرمان می‌دهد.»

ثبت اعمال انسان‌ها

تعدادی از فرشتگان مسؤول حفظ و ثبت اعمال نیک و بد آدمیان هستند و مراد از آیات زیر، همین فرشتگانند:

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿١٠﴾ كِرَامًا كَتِبِينَ ﴿١١﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ [الانفطار: ۱۰-۱۲]

«و بدون تردید نگهبانانی [از فرشتگان] بر شما گماشته شده‌اند، که نویسندگانی بزرگوار هستند. آنچه را انجام می‌دهید، می‌دانند [و اعمال نیک و بد شما را یادداشت می‌کنند].»

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ [ق: ١٦-١٨]

«به راستی ما انسان را آفریده‌ایم و چیزی را که نفسش به او وسوسه می‌کند، می‌دانیم، و ما از [شاه] رگ گردن به او نزدیک‌تریم. هنگامی که دو [فرشته] فراگیرنده بر جانب راست و چپ نشسته‌اند [و اعمالش را] فرا می‌گیرند. هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد، مگر اینکه نزدش مراقبی حاضر [و آماده نوشتن] است.»

قعید به معنای مراقب و منتظر و رقیب عتید یعنی مراقبی آماده برای این کار که حتی یک کلمه را ترک نمی‌کند..

گرفتن روح آدمیان زمانی که عمرشان به پایان می‌رسد

الله متعال بعضی از فرشتگان را مسؤول گرفتن روح انسان‌ها نموده وقتی که عمر

مقدّرشان به پایان می‌رسد. الله جلّ و علا می‌فرماید:

﴿قُلْ يَتَوَفَّنَا مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ [السّجدة: ۱۱]

«[ای پیامبر ﷺ] بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده، جانتان را می‌گیرد، سپس به

سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید.»

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَهُمْ وَذُوقُوا
عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ [الأنفال: ٥٠]

«و اگر ببینی هنگامی که فرشتگان [مرگ] جان کافران را می گیرند، به صورت و پشتشان
می زنند و [می گویند:] عذاب سوزنده را بچشید، [هر آینه اگر این را ببینی، تعجب می کنی].»

﴿فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَهُمْ﴾ [محمّد: ٢٧]

«پس [حالشان] چگونه خواهد بود زمانی که فرشتگان [مرگ] جان هایشان را می گیرند، بر
چهره ها و پشت هایشان می زنند.»

ولی روح مؤمنان را به نرمی و آسانی می گیرند.